

اثبات غنای احادیث مهدوی در اعتباربخشی به سایر روایات با تطبيق موردی خطبه غدیر*

رویا جهان دوست^۱
محسن احتشامی نیا^۲
مجید معارف^۳

چکیده

حدیث غدیر یکی از معدود میراث‌های ماندگار پیامبر ﷺ است که هیچ‌گونه تردیدی در درستی و مضمون آن میان تمامی فرق مسلمان نیست. مرحوم طبرسی خطبه‌ای طولانی برای این رویداد تاریخی روایت کرده که در سایر منابع یافت نمی‌شود و سندی که به آن ارائه نموده خالی از ایراد و اشکال نیست. در این خطبه، حدود هجده جمله درباره مهدویت و امام زمان به چشم می‌خورد که نشان از اهمیت این حقیقت در پیشگاه پیامبر ﷺ دارد که آن را در مهم‌ترین رویداد تاریخ اسلام گنجانده است. با بررسی صورت گرفته تقریباً تمامی این جملات از معارف و حقایق روشن و جا افتاده در فرهنگ و میراث حدیثی اهل بیت است و هیچ‌یک از آنها با ابهام عقیدتی یا تردید در درستی روبرو نیست. بنابراین بخش مهدویت این خطبه، با توجه به قرائن و شواهد موجود، ثابت و غیرقابل خدشه است و می‌تواند پشتوانه محکمی برای حجیت بخشی به خطبه غدیر باشد.

واژگان کلیدی

خطبه غدیر، احادیث مهدویت، اعتباربخشی، الاحتجاج، بررسی سندی و متنی.

مقدمه

حادثه عظیم غدیر خم در واپسین روزهای عمر مبارک پیامبر ﷺ، گویای غروب روزگار محمدی و طلوع دوری جدید از ولایت الهی بر عرصه گیتی است. حادثه‌ای که تمامی دوران رسالت پیامبر ﷺ وابسته به اجرایی شدن آن است و امنیت و سلامت الهی تنها در پرتو آن بر

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۱

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث (jahandoostr@gmail.com).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث و زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، ایران (نویسنده مسئول) (m.ehteshamina@yahoo.com).

۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، تهران، ایران (maaref@ut.ac.ir).

مردمان سایه خواهد افکند. این حادثه چنان در گوش جامعه و تاریخ پیچید که به متواترترین خبر تمامی دوران پیامبر ﷺ تبدیل شد و کتاب‌ها درباره سندها و متن‌ها و اثبات و ردها درباره محتوای آن نگاشته شد و به مرکز ثقل نقد و نظر میان شیعه و سایر فرق تبدیل گردید. مرحوم ابومنصور احمد بن علی بن ابوطالب طبرسی [م ۵۴۸ق] نخستین کسی است که خطبه‌ای طولانی برای این روز از زبان پیامبر ﷺ گزارش و سند آن را بیان کرده است. این خطبه از چند جهت دارای اهمیت ویژه است که یکی از آنها پردازش ویژه پیامبر ﷺ به مسئله مهدویت در این خطبه است. این نکته از آن جهت دارای اهمیت ویژه است که نشان دهنده نگاه فراتاریخی پیامبر ﷺ به مسئله جانشینی و چشم‌اندازی است که آن حضرت در وراى امامت و ولایت امیرالمؤمنین مشاهده و پیگیری می‌نماید. بنابراین لازم است این بخش از خطبه، با دقت و وسواسی خاص، مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. در این مقاله - به عنوان مقدمه‌ای برای بررسی محتوایی این جملات - تلاش بر آن است تا این بخش خطبه، با توجه به سایر احادیث معرفتی اهل بیت، مورد سنجش قرار گرفت و میزان استحکام آنها در میراث حدیثی اهل بیت، بررسی گردد. این تلاش، بدون تردید، انگیزه را برای بررسی محتوایی این بخش از خطبه بیشتر کرده دغدغه‌مندی پیامبر ﷺ را نسبت به گنجاندن آن در خطبه خویش، ثابت می‌نماید.

در این راستا، ابتدا به نقل بخش مهدویت از خطبه غدیر می‌پردازیم و پس از بررسی سندی خطبه، به استخراج شواهد هر یک از فقرات این بخش از میراث گرانقدر احادیث معرفتی می‌پردازیم.

متن حدیث

... معاشر الناس! ألا و إني منذر و علی هاد. معاشر الناس! إني نبي و علی وصي.

ألا! إن خاتم الأئمة منّا القائم المهدي.

ألا! إنه الظاهر علی الدین.

ألا! إنه المنتقم من الظالمین.

ألا! إنه فاتح الحصون و هادمها.

ألا! إنه قاتل كل قبيلة من أهل الشرك.

ألا! إنه مدرك بكل ثار لأولياء الله.

ألا! إنه الناصر لدين الله.



ألا! إنَّه الغزاف في بحر عميق .
 ألا! إنَّه يسم كلَّ ذى فضل بفضله وكلَّ ذى جهل بجهله .
 ألا! إنَّه خيرة الله و مختاره .
 ألا إنَّه وارث كل علم و المحيط به .
 ألا! إنَّه المخبر عن ربِّه عزوجل و المنبئ بأمر إيمانه .
 ألا! إنَّه الرشيد السديد .
 ألا! إنَّه المفوض إليه .
 ألا! إنَّه قد بشر به من سلف بين يديه .
 ألا! إنَّه الباقي حجة و لا حجة بعده و لا حقَّ إلا معه و لا نور إلا عنده .
 ألا! إنَّه لا غالب له و لا منصور عليه .
 ألا! و إنَّه ولى الله فى أرضه و حكمه فى خلقه و أمينه فى سرِّه و علانيته .
 معاشر الناس! قد بينت لكم و أفهمتكم و هذا على يفهمكم بعدى... (طبرسى، ۱۳۸۶ق: ج ۱، ۸۰).

سند حدیث

حدثنى السيد العالم العابد أبو جعفر مهدى بن أبى حرب الحسينى المرعشى عليه السلام قال أخبرنا الشيخ أبو على الحسن بن الشيخ السعيد أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى عليه السلام قال أخبرنى الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر قدس الله روحه قال أخبرنى جماعة عن أبى محمد هارون بن موسى التلعكبرى قال أخبرنا أبو على محمد بن همام قال أخبرنا على السورى قال أخبرنا أبو محمد العلوى من ولد الأقطس و كان من عباد الله الصالحين قال حدثنا محمد بن موسى الهمدانى قال حدثنا محمد بن خالد الطيالسى قال حدثنا سيف بن عميرة و صالح بن عقبة جميعا عن قيس بن سمعان عن علقمة بن محمد الحضرمى عن أبى جعفر محمد بن على عليه السلام أنه قال: حج رسول الله صلى الله عليه وآله من المدينة و قد بلغ جميع الشرايع قومه غير الحج و الولاية فأتاه جبرئيل عليه السلام فقال له: يا محمد... (همان: ج ۱، ۶۶ به بعد).

بررسی رجال سند

در سند یاد شده، پنج نفر نخست، تقریباً نیازی به بررسی رجالی ندارند چراکه غیر از راوی نخست، یعنی مهدی حسینی مرعشى، سایرین از عالمان و بزرگان شناخته شده شیعه هستند. مهدی مرعشى را نیز مرحوم طبرسى با عنوان «العالم العابد» ستوده و با توجه به این که استاد

ایشان بوده، این عناوین، نشان دهنده اعتماد کامل طبرسی به ایشان است. بنابراین، بررسی رجال سند را از راوی ششم، یعنی علی سوری پی می‌گیریم. البته یادآوری این نکته ضروری است که مشاهده نام شیخ طوسی در این سند، این سؤال را در ذهن تقویت می‌نماید که چگونه می‌شود ایشان راوی چنین خطبه ارزشمندی باشد و در هیچیک از کتاب‌های خود آن را ذکر یا یاد نکرده باشد؟! هرچند این نکته را نیز در بررسی سندی خطبه غدیر باید در نظر داشت ولی از سوی دیگر مرور کتاب‌های حدیثی به ویژه در نوشته‌های ابن طاووس که به تصریح خودش از نسل شیخ طوسی بوده نشان می‌دهد، در موارد متعدد، نام شیخ طوسی در سند روایاتی به کار رفته که نشانی از آنها در کتاب‌های موجود ایشان نیست.

علی السوری

درباره وی هیچ نکته‌ای در منابع یافت نشد.

ابومحمد العلوی

نجاشی از شخصی با عنوان یحیی معروف به ابومحمد علوی از بنو زبارة یاد کرده و او را «سید متکلم فقیه من أهل نیشابور له كتب كثيرة» گفته (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۴۵) ولی محقق خوئی این شخص را غیر از راوی محل بحث می‌داند (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۳، ۴۷).^۱ البته هرچند در سندی که گذشت از وی با عبارت «من ولد الافطس و كان من عباد الله الصالحين» یاد شده ولی از آن جا که به احتمال قوی، این جمله از زبان علی سوری ناشناخته است نمی‌توان بر اساس آن، حکم به وثاقت ابومحمد علوی نمود.

ابوجعفر محمد بن موسی بن عیسی الهمدانی السمان

بزرگان قم او را متهم به غلو کرده‌اند و حتی محمد بن حسن بن ولید او را از سازندگان حدیث به شمار آورده (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۳۸) ابن ولید همچنین نام او را در شمار مستثنیات از نوادر الحکمه ذکر کرده است (همان: ۳۴۸). شیخ صدوق نیز او را متهم به دروغ‌گویی کرده (صدوق، بی‌تا: ج ۲، ۹۰)^۲ شیخ صدوق بر همین اساس، کتاب زید نرسی و زید زراد را



۱. الظاهر أن هذا غير يحيى المكنى أبا محمد العلوى و ذلك لاختلاف الطبقة.

۲. أما خبر صلاة يوم غدیر خم و الثواب المذكور فيه لمن صامه فإن شيخنا محمد بن الحسن رضی الله عنه كان لا یصححه و یقول: إنه من طریق محمد بن موسی الهمدانی و كان كذاباً غیر ثقة. و كل ما لم یصححه ذلك الشيخ قدس الله روحه و لم یحکم بصحته من الأخبار فهو عندنا متروک غیر صحیح.

نیز ساختگی می‌دانست. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۳۰)^۱ اینها همه در حالی است که از یک سو یکی از کتاب‌هایی که نجاشی برای همدانی نقل کرده «کتاب الردّ علی الغلاة» است و از سوی دیگر، نجاشی سند صحیح به کتاب زید زراد ارائه کرده! جالب آن که ابن غضائری نیز درباره تضعیف وی تردید دارد و ضعف آن را به گردن قمی‌ها می‌اندازد! (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش: ۹۵)^۲ در هر حال به خاطر تصریح محمد بن حسن و پذیرش این تصریح از سوی شاگردانش و از جمله شیخ صدوق، چاره‌ای جز تضعیف وی باقی نمی‌ماند.

ابوعبدالله محمد بن خالد بن عمر طیالسی تمیمی

از راویان صاحب کتاب کوفه است. وی به سال ۲۵۹ق و در سن ۹۷ سالگی از دنیا رفت (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۴۰؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: ۴۴۱). راوی کتاب او محمد بن علی بن محبوب است (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۲۸). حمید بن زیاد تعداد زیادی از اصول روایی را از طریق او روایت کرده است (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۴۴۱). وی همچنین از رجال کامل الزیارات است. بنابراین تنها بر مبنای کسانی که توثیق عام «رجال کامل الزیارات» را می‌پذیرند، ثقة به شمار می‌آید. دو پسر او ابوالعباس عبدالله و ابومحمد حسن از راویان ثقة شیعه هستند (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۹).

سیف بن عمیره نخعی

کوفی از راویان ثقة امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است. یکی از راویان کتاب او نیز محمد بن خالد طیالسی است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۷۹). گذشته از آن از رجال تفسیر قمی و کامل الزیارات نیز هست و روایات فراوانی از او در دست است. پسرانش ابوعبدالله حسین و ابوالحسین علی نیز از راویان حدیث هستند که علی توثیق صریح دارد (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۷۸).

قیس بن سمعان بن ابو ذبیحه [ربیحه، ریحیحه، ربیعیه]

درباره وی نکته خاصی در منابع یافت نشد غیر از این که پدر بزرگ وی از خادمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و تنها راوی از او نیز نوه اش صالح بن عقبه است. نوه دیگرش علی بن صالح نیز نامی در میان راویان دارد.

۱. زید النرسی و زید الزراد لهما اصلان لم یروهما محمد بن علی بن الحسین بن بابویه و قال فی فهرسته: لم یروهما محمد بن الحسن بن الولید و کان یقول: هما موضوعان. و كذلك کتاب خالد بن عبدالله بن سدید و کان یقول: وضع هذه الاصول محمد بن موسی الهمدانی.

۲. ضعیف و یروی عن الضعفاء و یجوز أن یخرج شاهداً تکلم القمیون فیه بالردّ فأکثروا و استثنوا من کتاب «نوادر الحکمة» ما رواه.

علقمة بن محمد حضرمی

از اصحاب امام باقر و از رجال کامل الزیارات است. در مجموع، حتی اگر اتهام به جعل حدیث همدانی را نیز نادیده بگیریم، این خطبه، مبتلی به ناشناختگی لاقفل چهارتن از راویانش است و «مهمل» به شمار می‌آید.

بررسی متن

با توجه به ابهام‌های موجود در سند حدیث، لازم است محتوای آن به وسیله میراث حدیثی اهل بیت، مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد تا میزان اعتبار و اهمیت این خطبه بیشتر روشن شود. پیش از ورود به بحث، توجه به این نکته لازم و ضروری است که راه اطمینان خاطر به صدور یک روایت از امام معصوم، منحصر در سند نیست؛ بلکه سند یک راه رسیدن به چنین اطمینانی است. از جمله راه‌های دیگری که می‌توان برای وثوق به صدور روایت به آنها اشاره کرد، موافقت محتوای آن با قرآن کریم، و یا وجود روایات متعدد با یک مضمون (خانواده حدیثی) می‌باشند. به این راه‌ها که ناظر به محتوای یک روایت هستند، «وثوق خبری» گفته می‌شود؛ در برابر «وثوق مخبری» که مبتنی بر بررسی سند حدیث است. بنابراین در این مرحله از پژوهش و با توجه به مشکلات موجود در برابر «وثوق مخبری»، برای اثبات اعتبار خطبه غدیر، ناگزیر از پناه بردن به «وثوق خبری» هستیم. در این جا و به فراخور موضوع مقاله به بررسی فقرات مهدوی یاد شده بسنده کرده و سایر فقرات آن را به فرصت‌ها و پژوهشگران دیگر وا می‌گذاریم.

همان‌گونه که مشاهده شد، محتوای مهدوی خطبه غدیر، در هجده فقره تفکیک شد که به ترتیب به بررسی هریک از آنها می‌پردازیم:

خاتمیت

ألا! إنَّ خاتم الأئمة منَّا القائم المهدی.
ألا! إنَّه الباقی حجَّة و لا حجَّة بعده و لا حقَّ إلا معه و لا نور إلا عنده.

درباره اختصاص دو لقب «القائم» و «المهدی» به امام زمان علیه السلام و کاربرد ویژه آنها درباره آن حضرت، آن قدر روایت در دست است که بی‌نیاز از حتی هرگونه اشاره می‌باشد؛ اما درباره لقب «خاتم الائمه»:

در چند روایت به «خاتم الاوصیاء» بودن امام زمان علیه السلام تصریح شده است. در یکی از روایات درباره نماز حاجت، در دعای پس از نماز چنین آمده:



... و أتقرب إليك بالبقية الباقي المقيم بين أولياءه الذي رضيته لنفسك الطيب الطاهر
الفاضل الخير نور الارض و عمادها و رجاء هذه الامة و سيدها الأمر بالمعروف الناهي عن
المنكر الناصح الامين المؤدى عن النبيين و خاتم الاوصياء النجباء الطاهرين صلوات الله
عليهم اجمعين... (طوسی، ۱۴۱۳ق: ۲۸۷-۲۹۲).^۱

امام عسکری علیه السلام در ساعات پایانی عمر مبارک خویش خطاب به فرزند دل‌بندش چنین فرمود:

پسرم! تو را بشارت باد که صاحب زمان و مهدی و حجت خداوند بر زمین و فرزند و
جانشین من هستی و من پدر تو هستم و تو محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی
بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام و از نسل
پیامبر صلی الله علیه و آله و پایان دهنده امامان پاک هستی. پیامبر خداوند به تو بشارت داده و نام و
کنیه تو را مشخص نموده...^۲

از خود امام زمان علیه السلام نیز گزارش شده که فرمود:

من پایان بخش جانشینان هستم و خداوند به وسیله من بلا را از خاندان و شیعیانم
برطرف می‌سازد.^۳

همچنین در روایات متعددی به این که ختم امور به دست اهل بیت خواهد بود و همچنین
امام زمان علیه السلام، همان خاتمه دهنده خواهند بود، تصریح شده است. از دسته نخست می‌توان به
این روایت اشاره داشت:

امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: هدایتگران از نسل ما خواهند بود یا از نسل
دیگران؟ حضرت فرمود: هدایتگران، تا روز قیامت از نسل ما خواهند بود. خداوند به

۱. به وسیله باقی مانده‌ای در میان اولیائش که او را برای خود پسند کرده‌ای و پاک و پاکیزه و برتر و خیر و روشنایی و
ستون زمین و مایه امید و آقای این امت که اهل امر به معروف و نهی از منکر و دل‌سوز و امانت‌دار و پایان بخش
جانشینان برگزیده و پاک است که درود خداوند بر تمامی آنها باد [روی عاصم بن حمید: قال أبو عبد الله].

۲. آبشیر یا بنی! فأنت صاحب الزمان و أنت المهدی و أنت حجة الله على أرضه و أنت ولدی و وصی و أنا ولدتك و أنت
محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب
و لک رسول الله صلی الله علیه و آله و أنت خاتم الاثمة الطاهرين و بشر بک رسول الله و سفاک و کناک ... (الغیبة شیخ طوسی، ۱۶۵
[احمد بن علی الرازی عن محمد بن علی عن عبدالله بن محمد بن خاقان الدهقان عن أبي سليمان داود بن عنان
البحرانی قال قرأت علی أبي سهل اسماعیل بن علی النوبختی ...])

۳. أنا خاتم الاوصياء و بی رفع الله البلاء عن أهلی و شیعتی. « (اثبات الوصیة، ۲۲۱ [حدثنا علان قال حدثني ابونصر ضریر
الخادم: دخلت علی صاحب الزمان ...]: کمال الدین، ج ۲، ۴۴۱، باب ۴۳، ح ۱۲ [حدثنا ابوطالب المظفر بن جعفر بن المظفر
بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب قال حدثنا جعفر بن محمد بن مسعود قال حدثنا
ابوالنضر محمد بن مسعود قال حدثنا آدم بن محمد البلخی قال حدثنا علی بن الحسن الدقاق عن ابراهیم بن محمد
العلوی قال حدثني طريف ابونصر ...]: الغیبة شیخ طوسی، ۱۴۸ [از علان])

وسيله ما مردم را از گمراهی شرک و فتنه نجات داد و به وسيله ما پس از اين دو گمراهی، برادر شدند و به وسيله ما [کارها] را به پايان می‌برد همان گونه که به وسيله ما آنها را آغاز کرد.^۱

همچنين در تعدادی فراوانی از روایات، به «آخرین» بودن امام زمان علیه السلام تصریح شده است که به عنوان نمونه به ذکر دو روایت بسنده می‌شود:

امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر خدا روایت کرده: امامان پس از من دوازده نفر خواهند بود. یا علی! تو نخستین آنها و قائم - که خداوند به دست او شرق و غرب زمین را خواهد گشود - آخرین شان خواهید بود.^۲

بدر بن عیسی از پدرش جويا شد:

از میان تابعین چه کسانی را دیده بودی؟ پاسخ شنید: نمی‌فهمم چه می‌گویی [و تابعین را نمی‌شناسم] ولی در مسجد جامعه کوفه از استادی شنیدم که از مردی نیکو از امیرالمؤمنین این‌گونه روایت می‌کرد: پیامبر خدا به من فرمود: یا علی! امامان اهل هدایت و هدایت یافته و معصوم، یازده نفر از نسل تو خواهند بود. تو نخستین آنها هستی و آخرین آنها مردی هم نام من است که قیام خواهد کرد و زمین را آکنده از عدالت خواهد نمود...^۳

۱. قال علي عليه السلام لرسول الله: يا رسول الله! أمنا الهداة أو من غيرنا؟ قال: بل منّا الهداة إلى يوم القيامة بنا استنقذهم الله من ضلالة الشرك و بنا استنقذهم الله من ضلالة الفتنة و بنا يصبحون إخوانا بعد ضلالة الفتنة كما أصبحوا إخوانا بعد ضلالة الشرك و بنا يختم الله كما بنا فتح الله. (كمال الدين، ج ۱، ۲۳۰، باب ۲۲، ح ۳۱؛ الامالی شیخ مفید، م ۳۴، ج ۷ [لما نزلت علی النبی] «إذا جاء نصر الله و الفتح» قال لی: یا علی! ... فقلت: یا رسول الله! العدل منّا أم من غیرنا؟ فقال: بل منّا؛ بنا یفتح الله و بنا یختم الله و بنا آلف الله بین القلوب بعد الشرك و بنا یؤلف الله بین القلوب بعد الفتنة ...؛ الامالی شیخ طوسی، ج ۱، ۶۳ [از شیخ مفید])

این روایت در منابع اهل تسنن نیز یافت می‌شود:

علی بن ابی طالب آنه قال للنبی: أمنا المهدی أم من غیرنا؟ یا رسول الله! فقال: بل منّا بنا یختم الله كما بنا فتح و بنا یستنقذون من الشرك و بنا یؤلف الله بین قلوبهم بعد عداوة بینة كما بنا آلف بین قلوبهم بعد عداوة الشرك ... (المعجم الاوسط، ج ۱، ۱۳۶)

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الأئمة بعدی اثناعشر؛ أولهم أنت یا علی و آخرهم القائم الذی یفتح الله عزوجل علی یدیه مشارق الأرض و مغاربها. (كمال الدين، ج ۱، ۲۸۲، باب ۲۴، ح ۲۵؛ الامالی شیخ صدوق، م ۲۳، ح ۹ و م ۹۱، ح ۱۰؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ۵۶)

۳. بدر بن عیسی قال: سألت أبی عیسی بن موسی و كان رجلا مهيبا فقلت له: من أدركت من التابعین؟ فقال: ما أدري ما تقول لی و لكتی كنت بالكوفة فسمعت شیخا فی جامعها يتحدث عن عبد خیر قال: سمعت أمير المؤمنين علی بن ابی طالب یقول: قال لی رسول الله: یا علی! الأئمة الراشدون المهتدون المعصومون من ولدك أحد عشر إماماً و أنت أولهم و آخرهم اسمه اسمی یخرج فیملاً الأرض عدلاً ... (الغیبة نعمانی، ۹۲؛ الغیبة شیخ طوسی، ۹۰ [أخبرنی جماعة عن التلعکبری عن أبی علی محمد بن همام عن الحسن بن علی القوهستانی عن ...])

در برخی روایات نیز به صورت ضمنی از «آخرین» بودن امام زمان سخن به میان آمده است. به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

هرکه تمامی امامان را بپذیرد ولی مهدی را منکر شود همانند کسی است که تمامی پیامبران الهی را بپذیرد ولی منکر پیامبری محمد شود. امام در ادامه روایت، «مهدی» را پنجمین نسل از هفتمین امام معرفی فرمود (صدوق، ۱۳۶۳: ج ۲، ۴۱۱).

بنابراین هیچ تردیدی در صحت و درستی این گزاره وجود ندارد و این گزاره یکی از متقن‌ترین و محکم‌ترین گزاره‌های موجود در فضای مهدویت است.

پشتیبان دین

ألا! إنه الظاهر على الدين.

ألا! إنه الناصر لدين الله.

اگر منظور از این عبارت، چیرگی دین اسلام بر تمامی ادیان باشد، در چندین روایت تفسیری ذیل آیه «ليظهره على الدين كله»^۱ به وقوع آن در دوران و به دست امام زمان تصریح شده است که در این جا به ذکر چند روایت به عنوان نمونه بسنده می‌کنیم:

از سیدالشهداء علیه السلام روایت شده:

از میان ما دوازده هدایت یافته هستند که نخستین آنها امیرالمؤمنین علی و آخرین شان، نهمین نفر از نسل من خواهند بود. او همان قائم به حق است که خداوند به وسیله او زمین را پس از مرگش زنده خواهد کرد و دین حق را به وسیله او بر تمامی دین‌ها آشکار خواهد ساخت حتی اگر مشرکان را خوش نیاید...^۲

امام صادق علیه السلام فرمود:

... او پنجمین نفر از نسل فرزندم موسی و فرزند برترین کنیز خواهد بود که مدتی را در غیبت به سر خواهد برد و همین مسئله، شک و تردید بیهوده کاران را در پی خواهد

۱. این عبارت در چهار آیه از قرآن تکرار شده که به خودی خود، ارتباط ویژه و خاصی با دوران امام زمان دارد و تطبیق بهتری نمی‌توان برای آن پیدا کرد:

﴿و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير﴾ (انفال: ۳۹)

﴿هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون﴾ (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)

﴿هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله و كفى بالله شهيدا﴾ (فتح: ۲۸)

۲. قال الحسين بن علي بن ابي طالب: مئتا اثناعشر مهدياً أولهم أمير المؤمنين علي بن ابي طالب و آخرهم التاسع من ولدي و هو القائم بالحق يحيى الله به الأرض بعد موتها و يظهر به دین الحق على الدين كله ولو كره المشركون.... (كمال الدين، ج ۱، ۳۱۷، باب ۳، ح ۳؛ عيون اخبار الرضا، ج ۱، ۶۸، كفاية الاثر، ۲۳۱ [از صدوق])

داشت. سپس خداوند متعال او را آشکار خواهد کرد و شرق و غرب زمین را به دست او خواهد گشود. و در تمامی زمینهایی که سایر خدایان پرستیده شده، یکتاپرستی حاکم خواهد شد و برخلاف خواست مشرکان، دین خداوند همه جا را در بر خواهد گرفت.^۱

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره معنای آیه «با آنها مبارزه را تا آن جا ادامه دهید که فتنه، ریشه کن و تمامی دین از آن خداوند گردد» جویا شد که امام فرمود:
هنوز روزگار مورد اشاره در این آیه از راه نرسیده است. پیامبر خدا به خاطر نیاز خود و یارانش مجبور شد به کافران فرصت دهد ولی اگر روزگار این آیه فرابرسد، تنها راه پیش روی کافران، دین یا مرگ خواهد بود تا این که شرک، ریشه کن گردد و جز یکتاپرستی باقی نماند.^۲

محمد بن فضیل از امام کاظم علیه السلام درباره آیه «تا آن که آن دین را بر تمامی دین ها آشکار سازد» جویا شد و حضرت فرمود:

این اتفاق در زمان قیام قائم رخ خواهد داد؛ خداوند می فرماید خداوند نور خود را که همان ولایت و سرپرستی قائم است به کمال خواهد رسانید حتی اگر کافران به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از آن خوش شان نیاید.^۳

امام صادق علیه السلام درباره آیه «او همان کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر تمامی دین ها برتری بخشد حتی اگر مشرکان را خوش نیاید» فرمود: به خدا سوگند! مصداق این آیه هنوز فرانرسیده و فرا نخواهد رسید تا قائم برخیزد...^۴

تفسیر این آیات به روزگار امام زمان و حکومت جهانی اسلام، چنان آشکار و روشن است که

۱. سمعت أبا عبد الله يقول: ... هو الخامس من ولد ابني موسى؛ ذلك ابن سيّدة الإمام يغيب غيبة يرتاب فيها المبطلون ثم يظهره الله عزوجل فيفتح الله على يديه مشارق الأرض ومغاربها... ولاتبقى في الأرض بقعة عبد فيها غير الله عزوجل إلا عبد الله فيها ويكون الدين كله لله ولو كره المشركون. (كمال الدين، ج ۲، ۳۴۵ و ۳۴۶، باب ۳۳، ح ۳۱)

۲. محمد بن مسلم: قلت لأبي جعفر: قول الله عزوجل «و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله»؟ فقال: لم يجئ تأويل هذه الآية بعد؛ إن رسول الله رخص لهم لحاجته و حاجة أصحابه فلو قد جاء تأويلها لم يقبل منهم لكنهم يقتلون حتى يوحد الله عزوجل و حتى لا يكون شرك. (الكافي، ج ۸، ح ۲۴۳)

۳. محمد بن الفضيل عن أبي الحسن الماضي: سألته عن قول الله عزوجل «يريدون ليطفؤوا نور الله بأفواههم»... قلت: «ليظهره على الدين كله». قال: يظهره على جميع الأديان عند قيام القائم؛ يقول الله «و الله متمّ نوره» ولاية القائم «ولو كره الكافرون» بولاية علي... (الكافي، ج ۱، ۴۳۲، ح ۹۱)

۴. قال أبو عبد الله في قول الله عزوجل «هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون»: والله ما نزل تأويلها بعد و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم... (كمال الدين، ج ۲، ۶۷۰، باب ۵۸، ح ۱۶)

حتی در مفسران اهل تسنن نیز گرایش به آن به وضوح به چشم می خورد؛ آن گونه که از جابر بن عبدالله (بیهقی، بی تا: ج ۹، ۱۸۰؛ سیوطی، بی تا: ج ۳، ۲۳۱) از سعید بن منصور و ابن منذر و بیهقی]، ابوهیره (طبری، ۱۴۱۰ ق: ج ۱۰، ۸۲؛ سیوطی، بی تا: ج ۳، ۲۴۱) از عبد بن حمید و ابوالشیخ]، و مجاهد (بیهقی، بی تا: ج ۹، ۱۸۰) گزارش شده «این آیه مربوط به دوران حکومت حضرت عیسی بن مریم است» که همان دوران حاکمیت امام زمان علیه السلام خواهد بود.

انتقام گیرنده

ألا! إنه المنتقم من الظالمين .

ألا! إنه قاتل كل قبيلة من أهل الشرك .

ألا! إنه مدرك بكل ثار لأولياء الله .

درباره منتقم بودن امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ التَّوَكُّلِ نیز روایات فراوانی در دست است که نشان از شدت شهرت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ التَّوَكُّلِ به این لقب دارد. تعدادی از این روایات را در ادامه، مرور می نماییم:

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت فرموده:

... خداوند قائم ما را آشکار خواهد کرد و از ستمکاران انتقام خواهد گرفت. از آن حضرت پرسیدند: قائم شما کیست؟ فرمود: هفتمین نفر از نسل نوه من، محمد بن علی است که حجة بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی؛ فرزند من خواهد بود که مدتی طولانی را در غیبت به سر خواهد برد و سپس آشکار خواهد شد و زمین را از عدالت آکنده خواهد کرد همان گونه که از ستم پُر شده است.^۱

ابوحمزه ثمالی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید:

... چرا او قائم نامیده شده؟ فرمود: پس از آن که پدر بزرگم حسین کشته شد، ملائکه به دربار خداوند ضججه و گریه و زاری کردند که: خدایا! آیا از قاتلان برگزیده ات می گذری؟! پاسخ رسید: ملائکه من! آرام و قرار داشته باشید که به عزت خودم سوگند! انتقام او را خواهیم گرفت. سپس امامان از نسل حسین را به آنها نشان داد که یکی از آنها به نماز ایستاده بود و به ملائکه گفت: به آن که ایستاده است انتقام حسین را

۱. عن أبي جعفر في حديث أن الحسين قال: .. يظهر الله قائمنا فينتقم من الظالمين فقبل له: يابن رسول الله! من قائمكم؟ قال: السابع من ولد ابني محمد بن علي وهو الحجة بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي ابني وهو الذي يغيب مدة طويلة ثم يظهر ويملا الأرض قسطا وعدلا كما ملئت جورا وظلما. (اثبات الهداة، ج ۳، ۵۶۹) [از اثبات الرجعة]]

خواهم گرفت.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

پس از ماجرای عاشورا و گریه و زاری ملائکه، خداوند، سایه قائم را به آنها نشان داد و فرمود: به وسیله این، انتقام حسین را خواهم گرفت.^۲

از امام باقر علیه السلام روایت شده:

... سپس خداوند از پیامبران پیمان گرفت: آیا من پروردگارتان نیستم؟ و این که محمد، پیامبر من و علی امیرالمؤمنین است؟ گفتند: آری. پس از این پیمان، به مقام پیامبری رسیدند و از «اولوالعزم» این پیمان اضافه گرفته شد که: جانشینان علی، سرپرستان امر و خزانه داران دانش من هستند و مهدی، همانی است که به وسیله او دینم را یاری خواهم رساند و حکومتم را به وسیله او آشکار خواهم کرد و از دشمنانم انتقام خواهم گرفت. اولوالعزم نیز پیمان بستند...^۳

امام صادق علیه السلام همچنین فرمود:

... آن گاه که قائم ما بیا خیزد، خداوند انتقام پیامبر و ما را خواهد گرفت.^۴

از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «آنها نیرنگ خود را بکار می بندند» روایت شده:

آنها با پیامبر خدا و علی و فاطمه از در نیرنگ وارد شدند و خداوند هم به پیامبرش

۱. عن أبي حمزة ثابت بن دينار الثمالي: سألت أبا جعفر محمد بن علي الباقر: يابن رسول الله! ... فلم سمى القائم قائماً؟ قال: لما قتل جدّي الحسين ضجّت عليه الملائكة إلى الله تعالى بالبكاء والنحيب وقالوا «إلهنا وسيدنا أتغفل عمّن قتل صفوتك و ابن صفوتك و خيرتك من خلقك؟» فأوحى الله عزوجل اليهم: قزوا ملائكتي فوعزّتي و جلالی لانتممّن منهم ولو بعد حين. ثمّ كشف الله عزوجلّ عن الأئمة من ولد الحسين للملائكة فشرّت الملائكة بذلك فإذا أحدهم قائم يصلّي فقال الله عزوجلّ: بذلك القائم أنتقم منهم. (علل الشرائع ج ۱۶؛ دلائل الإمامة، ۲۳۹ [أخبرني علي بن هبة الله قال حدثنا أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى (...)].)

۲. قال أبو عبد الله: لما كان من أمر الحسين ما كان ضجّت الملائكة إلى الله بالبكاء وقالت: يفعل هذا بالحسين صفيك و ابن نبيك؟! فأقام الله لهم ظلّ القائم و قال: بهذا أنتقم لهذا. (الكافي، ج ۱، ۴۶۵، ح ۶؛ الامالی شيخ طوسی، ج ۲، ۳۳ [أخبرنا محمد بن محمد قال أخبرني أبو الحسن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن أبيه عن محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن عبيد عن علي بن أسباط (...)].)

۳. عن أبي جعفر: ... ثمّ أخذ الميثاق على النبيين فقال: ألسن برئكم؟ ثمّ قال: و أنّ هذا محمد رسول الله و أنّ هذا عليّ أمير المؤمنين؟ قالوا: بلى. فثبتت لهم النبوة و أخذ الميثاق على أولى العزم ألاّ أتى ربّكم و محمد رسولی و عليّ أمير المؤمنين و أوصياءه من بعده ولاة أمری و خزّان علمی و أنّ المهديّ أنتصر به لديني و أظهر به دولتي و أنتقم به من أعدائي و أعبد به طوعاً و کرهاً؟ قالوا: أقررنا و شهدنا يا ربّ. و لم يجحد آدم و لم يقزّ فثبتت العزيمة لهؤلاء الخمسة في المهديّ و لم يكن لأدم عزم على الإقرار به ... (بصائر الدرجات، ۷۰؛ الكافي، ج ۲، ۸، ح ۱ [محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن داود العجلي عن زرارة (...)].)

۴. عن أبي عبد الله: ... ثمّ إذا قام قائمنا انتقم الله لرسوله و لنا أجمعين. (قصص الانبياء، ۸۰)

وحی فرستاد: محمد! آنها نیرنگ خود را به کار می‌بندند و من نیز نیرنگی خواهم بست؛ بنابراین، آنها را تا زمان بپا خواستن قائم مهلت ده که او انتقام مرا از ستم‌کاران و طاغوتان قریش و امویان و دیگر مردم خواهد ستانید.^۱

امام صادق علیه السلام در پاسخ مفضل بن عمر درباره تفسیر آیه «فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ» فرمود:

تقیّه در زمان رویارویی برطرف خواهد شد و از دشمنان خداوند انتقام گرفته خواهد شد (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۳۵۱).

به گزارش عباد بن محمد:

یک بار در مدینه و پس از آن که نماز ظهر امام صادق علیه السلام به پایان رسیده بود، خدمت حضرت رسیدم و دیدم دستانش را به آسمان بلند کرده و چنین دعا می‌کند: ... پس از پایان دعای حضرت، پرسیدم: این دعا را در حق خودتان کردید؟ فرمود: خیر؛ برای روشنایی خاندان محمد و پیشران آنها و انتقام‌گیرنده از دشمنان شان دعا کردم.^۲

از یحیی بن فضل روایت شده:

در شهر بغداد درحالی حضور امام کاظم علیه السلام رسیدم که نماز عصرش را به جا آورده بود و چنین دعا می‌کرد: ... خدایا! تو را با نام مخفی و زنده و ایستایت - که هرکه تو را با آن بخواند، بی پاسخ نمی‌ماند - می‌خوانم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و فرج انتقام‌گیرنده از دشمنان را سرعت بخشی و آنچه را به او وعده دادی به انجام رسانی ...^۳

از احمد بن اسحاق اشعری نقل شده:

در حالی خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم که تصمیم داشتم از او درباره جان‌شینش جو یا شوم ... از ایشان نشانه‌ای خواستم که فرزند حضرت به زبان عربی

۱. عن أبي بصير في قوله ... «إنهم يكدون كيدا» قال [الإمام الصادق]: كادوا رسول الله و كادوا علياً و كادوا فاطمة فقال الله: يا محمد! إنهم يكدون كيداً و أكيد كيداً فمهّل الكافرين يا محمد! أمهلهم رویداً لوقت بعث القائم فينتقم لي من الجبارين و الطواغيت من قریش و بنی أمیه و سائر الناس. (تفسیر قمی، ج ۲، ۴۱۶)

۲. عن عباد بن محمد المدائنی: دخلت على أبي عبدالله بالمدينة حين فرغ من مكتوبة الظهر و قد رفع يديه إلى السماء و يقول: ... قلت: أليس قد دعوت لنفسك؟ جعلت فداك! قال: دعوت لنور آل محمد و سائقهم و المنتقم بأمر الله من أعدائهم. (فلاح السائل، ۱۷۰)

۳. یحیی بن الفضل النوفلی: دخلت على أبي الحسن موسى بن جعفر ببغداد حين فرغ من صلاة العصر فرجع يديه إلى السماء و سمعته يقول: ... أسألك باسمك المكنون المخزون الحی القيوم الذی لا یخیب من سألک به أن تصلّی علی محمد و آله و أن تعجل فرج المنتقم لك من أعدائك و أنجز له ما وعدته یا ذا الجلال و الإکرام. (فلاح السائل، ۱۹۹ و ۲۰۰)

فصیح فرمود: من باقیمانده خداوند بر روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنانش هستم؛ پس از دیدن این صحنه، دیگر نشانه نخواه.^۱

در دعای ندبه نیز این گونه زمزمه می نمائیم:

أین الطالب بذحول الانبیاء و أبناء الأنبياء أین الطالب بدم المقتول بکربلاء.

البته همان گونه که از مضمون مشترک تمامی روایات بالا به دست می آید، امام زمان مأموریت کشتار تمامی اهل شرک و کفر را ندارد؛ چراکه مأموریت ایشان در راستای «انتقام» تنظیم شده است و «انتقام»، به خودی خود گویای ماهیت کسانی که گرفتار تیغ حضرت خواهند شد، هست. بنابراین نمی توان پذیرفت که نصیب هر کافر و مشرکی، از حکومت امام زمان، مرگ و کشتار باشد. از این رو عبارت «قاتل کلّ قبيلة من أهل الشرک»، با توجه به قرینه یاد شده، اشاره به مشرکان و کافرانی خواهد داشت که در قالب «قبیله» و گروه، در برابر حکومت حضرت، صف آرایی کرده و تصمیم به مقابله داشته باشند.

پیروز جهانی

ألا! إنه فاتح الحصون و هادمها.

ألا! إنه لا غالب له و لا منصور علیه.

در این زمینه، روایت معروف و متواتر میان شیعه و اهل تسنن، بهترین شاهد و گواه است:

يملاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۳۸، ح ۷؛ و...).

گذشته از این روایت معروف و متواتر، در تعدادی از روایات نیز به پیروزی و غالب بودن حضرت تصریح شده که گویای شهرت این لقب، نسبت به امام زمان نیز هست. در ادامه تعدادی از این روایات را مرور می نماییم:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

قائم ما با ترس و یاری، کمک می شود و زمین زیرپای او به سرعت طی می گردد و تمامی گنجینه ها برای او آشکار خواهد شد و خداوند متعال به وسیله او دینش را بر تمامی دینها آشکار خواهد کرد حتی اگر دل خواه مشرکان نباشد و حکومت او تمامی



۱. عن أحمد بن إسحاق بن سعد الأشعري: دخلت على أبي محمد الحسن بن علي وأنا أريد أن أسأله عن الخلف بعده ... فقلت له: يا مولاي! فهل من علامة يطمئن إليها قلبي؟ فنطق الغلام بلسان عربي فصيح فقال: أنا بقية الله في أرضه و المنتقم من أعدائه فلا تطلب أثراً بعد عين يا أحمد بن إسحاق. (كمال الدين، ج ۲، ۳۸۴، باب ۳۸، ح ۱)

زمین را فرا خواهد گرفت و تمامی ویرانه‌های زمین، آباد خواهد شد و عیسی بن مریم از آسمان فرود آمده، پشت سر ایشان نماز خواهد گزارد.^۱

آن حضرت همچنین در دعای خود از خداوند چنین درخواست نمود:

... خدایا تو را به همان حقی که پیش خاندان پیامبرت قرار داده و مقام و جایگاهی که به آنها داده‌ای می‌خوانم که ... یاری دینت را در کنار رهبری هدایتگر و یاری شده از خاندان پیامبرت روزی ما گردانی و ما را در کنار او و زیر پرچم او از شهیدان ثابت قدم در راه خود و یاری دینت قرار دهی...^۲

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده:

قائم ما با ترس و یاری، کمک می‌شود و زمین زیر پای او طی می‌شود و گنج‌ها براو آشکار خواهد گشت...^۳

سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «هرکه مظلومانه کشته شد، برای ولی خون او قدرت و حقی در نظر گرفته‌ایم و باید که در کشتن، اسراف نکند که او یاری شده است» روایت کرده:

منظور از این «کشته مظلوم» حسین بن علی است و «ولی خون» او نیز ما هستیم و هرگاه قائم ما برخواست، انتقام خون او را خواهد گرفت و آن‌گاه خواهد کشت که می‌گویند اسراف کرده... او [= سیدالشهدا] یاری شده است و دنیا به پایان نخواهد رسید مگر آن که به وسیله مردی از خاندان پیامبر، یاری خواهد شد که زمین را پر از

۱. حدثنا صفوان بن يحيى قال حدثنا محمد بن حمران: قال الصادق جعفر بن محمد: إن القائم منّا منصور بالربيع مؤيد بالنصر تطوى له الأرض وتظهر له الكنوز كلها ويظهر الله تعالى به دينه على الدين كله ولو كره المشركون و يبلغ سلطانه المشرق والمغرب ولا يبقى في الارض خراب إلا عمّر و ينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلّى خلفه. (مختصر اثبات الرجعة، ۲۱۶ و ۲۱۷ و ص ۱۱۷) [حدثنا محمد بن اسماعيل بن بزيع عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر]. نیز: اثبات الهداة، ج ۳، ۵۷۰، [از اثبات الرجعة تأليف فضل بن شاذان]

۲. الحسين بن الحسن الحسيني قال حدثنا محمد بن موسى الهمداني قال حدثنا علي بن حسان الواسطي قال حدثنا علي بن الحسين العبدى: سمعت أبا عبد الله يقول: ... اللهم إني أسألك بالحق الذي جعلته عندهم وبالذي فضلتهم على العالمين جميعاً أن ... و ارزقنا نصر دينك مع وليّ هاد منصور من أهل بيت نبيك واجعلنا معه و تحت رايته شهداء صديقين في سبيلك و على نصره دينك ... (تهذيب الاحكام، ج ۳، ۱۴۳-۱۴۷)

۳. محمد بن محمد بن عصام قال حدثنا محمد بن يعقوب الكليني قال حدثنا القاسم بن العلاء قال حدثني إسماعيل بن علي القزويني قال حدثني علي بن إسماعيل عن عاصم بن حميد الحنّاط عن محمد بن مسلم الثقفى: سمعت أبا جعفر محمد بن علي الباقر يقول: القائم منّا منصور بالربيع مؤيد بالنصر تطوى له الأرض و تظهر له الكنوز ... (كمال الدين، ۳۳۰، باب ۳۲، ح ۱۶)

عدالت خواهد کرد...^۱.

امام باقر علیه السلام در پاسخ حمران که گفته بود نسل امام مجتبی علیه السلام ادعا دارند که قائم از آنها است و پسر محمد حنفیه نیز چنین ادعایی دارد. فرمود:

به خدا سوگند! صاحبان امر، ما هستیم و قائم و سقّاح و منصور از ما هستند و همان گونه که خداوند فرموده «هر که مظلومانه کشته شد، برای ولی خون او قدرت و حقی در نظر گرفته ایم و باید که در کشتن، اسراف نکند» مائیم که ولی خون حسین و بردین او هستیم.^۲

از امام صادق علیه السلام نیز همین محتوا نقل و روایت شده است.^۳
در زیارت عاشورا نیز این گونه از خداوند درخواست داریم:

وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ...
و در دعای ندبه نیز این گونه ناله می زنیم:

أَيْنَ هَادِمِ أُنْبِيَةِ الشَّرِكِ وَالنَّفَاقِ أَجْمَعِينَ .. أَيْنَ الْمَنصُورِ عَلَيَّ مِنْ اِعْتَدَى عَلَيَّهِ وَافْتَرَى.

در منابع اهل تسنن نیز شواهدی از این حقیقت یافت می شود:

روایت شده پیامبر خدا در ساعات پایانی عمر مبارک خویش به دختر داغدارش فرمود: فاطمه! به خدایی که مرا فرستاد سوگند! که مهدی این امت از نسل حسن و حسین خواهد بود؛ وقتی که دنیا را هرج و مرج و فتنه دربر گرفت و راه ها ناامن شد و مردم رو به غارتگری آورده و رحم و احترام از میانشان رخت بر پرست؛ خداوند مردی را از نسل آن دو برخواهد انگیخت که دژهای گمراهی و دل های بسته را فتح خواهد کرد و قیامی دینی در آخرالزمان به راه خواهد انداخت و زمین را از عدالت آکنده خواهد

۱. سلام بن مستنیر عن أبي جعفر في قوله «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليتيه سلطاناً فلا يسرف في القتل إنه كان منصوراً»: هو الحسين بن علي قتل مظلوماً و نحن أولياءه و القائم منا إذا قام طلب بنار الحسين فيقتل حتى يقال قد أسرف في القتل .. «إنه كان منصوراً» فإنه لا يذهب من الدنيا حتى ينتصر برجل من آل رسول الله يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً. (تفسير العياشي، ج ۲، ۲۹۰)

۲. حمران عن أبي جعفر، قلت له: يابن رسول الله! زعم ولد الحسن أن القائم منهم و أنهم أصحاب الأمر و يزعم ولد ابن الحنفية مثل ذلك. فقال: نحن والله أصحاب الأمر و فينا القائم و منا السقّاح و المنصور و قد قال الله «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليتيه سلطاناً» نحن أولياء الحسين بن علي و علي دینه. (تفسير العياشي، ج ۲، ۲۹۱)

۳. عن رجل: سألت أبا عبد الله في قوله تعالى «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليتيه سلطاناً فلا يسرف في القتل إنه كان منصوراً»: ذلك قائم آل محمد يخرج فيقتل بدم الحسين فلو قتل أهل الأرض لم يكن مسرفاً.. يقلت والله ذراري قتلة الحسين بفعال آبائهم. (كامل الزيارات، ۶۳)

ساخت...^۱

ریشه‌ای عمیق

ألا! إنّه الغزاف فی بحر عمیق.

این عبارت لااقل به دو صورت قابل فهم و ترجمه است:

(الف) امام زمان، آب از دریایی عمیق بر می‌دارد.^۲

بر اساس این ترجمه، این‌گونه به دست می‌آید که امام زمان از پشتوانه‌ای عمیق و بی‌کران در تمامی زمینه‌ها برخوردار است که هیچگاه پایان و نقصان نخواهد داشت.

(ب) امام زمان، ریشه در دریایی عمیق دارد.

بر این اساس، امام زمان، خاندان و اصالتی استوار و عمیق دارد که هیچگاه هیچ‌کس قابل مقایسه و برابری با ایشان نخواهد بود.

هر دو ترجمه اشاره به حقیقتی ثابت درباره امام زمان دارند که برخی شواهد آنها در مطالب همین مقاله ذکر شده یا خواهد شد. بنابراین هرچند بر اساس جستجوی صورت گرفته، در سایر منابع، چنین تعبیری یافت نشد؛ ولی این نکته، باعث تضعیف آن نخواهد شد چرا که همان‌گونه که اشاره شد، این محتوا از مضامین ثابت در مهدویت است و قابل شک و تردید نیست. به عنوان نمونه در زمینه اصالت خانوادگی امام زمان می‌توان به جمله معروفی که در زیارت‌های سیدالشهداء آمده اشاره داشت:

من گواهی می‌دهم که تو نوری در پشت پدران و رحم مادران بودی و هیچ‌گاه

رفتارهای جاهلانه نور تو را آلوده نمود (ر. ک به عنوان نمونه: طوسی، ۱۴۱۳ق:

۷۲).

نشان‌گذار

ألا! إنّه یسم کلّ ذی فضل بفضله و کلّ ذی جهل بجهله.

در روایات فراوانی از آگاهی امامان از حقیقت افراد و برخورد بر اساس این دانش سخن به

۱... یا فاطمة والذی بعثنی بالحقّ إنّ منهما مهدیّ هذه الأمة إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم علی بعض فلا کبیر یرحم صغیراً و لا صغیر یرحم کبیراً فیبعث الله عزّوجلّ عند ذلک منهما من یفتتح حصون الضلالة و قلوباً غلفاً یقوم بالذین فی آخر الزمان کما قمت به فی أول الزمان و یملأ الدنيا عدلاً کما ملئت جوراً... (المعجم الکبیر، ج ۳، ۵۲)

۲. زبیدی درباره این لغت می‌نویسد: .. غرف الماء بیده یغرفه بالكسر و یغرفه بالضم غرفاً: أخذہ بیده، کاغترفه و اغترف منه .. و بئر غروف: یغترف ماؤها بالید .. و العراف من الأثر: الكثير الماء .. غیث غراف: غزیر .. (تاج العروس، ماده «غرف»)

میان آمده است. گوشه‌ای از این روایات را از کتاب شریف «بصائرالدرجات» مرور می‌نماییم:
 به فرموده امام باقر علیه السلام: میان دو چشم تمامی انسان‌ها مؤمن یا کافر بودن او نقش بسته و تنها امامان از خاندان پیامبر خدا توان درک آن را دارند. حضرت سپس این آیه را تلاوت فرمود: «در آن، نشانه‌هایی برای اهل سیما قرار دارد» و اهل سیما را به اهل بیت تفسیر فرمود.^۱

آن حضرت در روایتی دیگر، آیه یاد شده را به امامان تفسیر فرمود و از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل نمود: «از زیرکی مؤمن برحذر باشید که او با روشنایی الهی مشاهده می‌کند» و سپس این آیه را در ادامه سخنان خود جای داد.^۲

در میان اهل بیت، به صورت ویژه از امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان «صاحب المیسم» یاد شده است. (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۳ق: ۷۴۲؛ صفار، ۱۳۶۳ش: ۲۲۰ و ۲۲۲؛ ...)

و در برخی از این روایات به نقش ویژه امام زمان در این زمینه تصریح شده است:
 امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
 آن‌گاه که قائم به پا خیزد، خوبی یا بدی هرکس که در برابرش قرار بگیرد را تشخیص می‌دهد چرا که در او نشانه‌ای برای اهل سیما قرار داد...^۳

آن حضرت همچنین فرمود:
 آن‌گاه که قائم خاندان پیامبر به پا خیزد قضاوت داودی خواهد داشت و از کسی شاهد نخواهد خواست؛ چراکه خداوند، حکم هر ماجرای را به او الهام خواهد کرد و به هرکس خبر از آنچه در دل پنهان کرده خواهد داد و دوست و دشمن خود را از سیما خواهد شناخت و این همان کلام خداوند متعال است که فرمود: در آن، نشانه‌هایی برای اهل سیما قرار دارد.^۴

۱. عن أبي جعفر: ليس مخلوق إلا وبين عينيه مكتوب أنه مؤمن أو كافر وذلك محجوب عنكم و ليس بمحجوب من الأئمة من آل محمد ليس يدخل عليهم أحد إلا عرفوه هو مؤمن أو كافر. ثم تلا هذه الآية «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» فهم المتوسمون. (بصائرالدرجات، ۳۷۴)
 همین مضمون به سندهای دیگری در صفحات ۳۷۵ و ۳۷۷ و ۳۷۸ به چشم می‌خورد.
 ۲. عن أبي جعفر في قول الله عزوجل «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»: هم الأئمة؛ قال رسول الله «اتقوا فراسة المؤمن فإنه ينظر بنور الله في قوله «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»». (بصائرالدرجات، ۳۷۵)
 به این مضمون در روایت دیگری به سندی دیگر در ص ۳۷۷ نیز تصریح شده است.
 ۳. قال أبو عبد الله: إذا قام القائم لم يقم بين يديه أحد من خلق الرحمان إلا عرفه صالح هو أم طالح لأن فيه آية للمتوسمين و هي بسبيل مقیم. (کمال الدین، ۶۷۱، باب ۵۸، ح ۲۰)
 ۴. روی عبدالله بن عجلان عن أبي عبدالله: إذا قام قائم آل محمد حکم بین الناس بحکم داود؛ لایحتاج إلى بینة یلهمه

وقتی معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام درباره آیه «گناهکاران با سیمای شان شناخته شده و از پیشانی و پاهای شان گرفته می شوند» جویا شد؛ حضرت فرمود:

دیگران در این باره چه می گویند؟ گفت: گمان دارند خداوند در روز قیامت، گناهکاران را از سیمایشان می شناسد و دستور دستگیری آنها را می دهد. حضرت فرمود: خداوند متعال چه نیازی به شناخت کسانی دارد که خودش آنها را آفریده؟! پرسید: پس معنای آیه چیست؟ فرمود: آن گاه که قائم ما قیام کند خداوند علم سیمای او می دهد و کافر را با آن تشخیص داده دستور دستگیری و اعدامش را صادر می کند.^۱

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده:

گویا قائم و یارانش را در شهر نجف می بینم که توشه آنها به سر رسیده و لباسهای شان کهنه گشته و جای سجده در پیشانی آنها آشکار است و شیران روز و عابدان شب هستند و قلب هایی همچون پاره آهن دارند و به هریک از آنها نیروی چهل مرد داده می شود و مولای آنها به آنها علم سیمای او می دهد به گونه ای که جز کافر و منافق، کس دیگری را نمی کشند و این عده همان ها هستند که در این آیه قرآن از آنها یاد شده «در آن، نشانه هایی برای اهل سیمای قرار دارد».^۲

برگزیده خداوند

ألا! إله خیرة الله و مختاره.

در این که امامان معصوم، برگزیدگان خداوند متعال هستند تردیدی نیست. به این حقیقت با الفاظ مختلفی در روایات فراوانی تصریح شده است. این روایات با بیان عامی که دارند، شامل امام زمان نیز می شوند؛ بنابراین حتی اگر در این زمینه، روایتی ویژه امام زمان یافت

الله تعالی فیحکم بعلمه و یخبر کل قوم بما استبطونه و یعرف ولیه من عدوه بالتوشم؛ قال الله سبحانه «إن فی ذلك لآیات للمتوسمین و إله لبسبیل مقیم». (الارشاد، ۳۶۵)

۱. عن أبی عبدالله فی قول الله عزوجل «یعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالنواصی و الأقدام» فقال: یا معاویه! ما یقولون فی هذا؟ قلت: یزعمون أن الله تبارک و تعالی یعرف المجرمون بسیماهم یوم القیامة فیأمر بهم فیؤخذ بنواصیهم و أقدامهم و یلقون فی النار. فقال لی: و کیف یحتاج الجبار تبارک و تعالی إلی معرفة خلق أنشأهم و هو خلقهم. فقلت: فما ذاک؟ جعلت فداک! قال: ذلک أو قد قام قائمنا أعطاه الله السیمای فیأمر بالکافر فیؤخذ بنواصیهم و أقدامهم ثم یخبط بالسیف خبطاً. (بصائر الدرجات، ۳۷۶)

۲. أحمد بن محمد الأیادی یرفعه إلی جابر عن الإمام الباقر: کأنی أنظر إلی القائم و أصحابه فی نجف الکوفة کأن علی رؤوسهم الطیر فنیث أزوادهم و خلقت ثیابهم قد أتر السجود بجباههم لیوث بالنهار و رهبان باللیل کأن قلوبهم زبر الحدید یعطی الرجل منهم قوّة أربعین رجلاً و یعطیهم صاحبهم التوسم لایقتل أحد منهم إلا کافراً أو منافقاً فقد وصفهم الله بالتوسم فی کتابه «إن فی ذلک لآیات للمتوسمین». (منتخب الانوار المضمیة، ۱۹۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ۳۸۶) [از کتاب الغیبة سیدعلی بن عبدالحمید]

نشود ایراد و مشکل به شمار نمی‌آید و همین اندازه برای اثبات مطلب درباره امام زمان نیز کافی است. یکی از این الفاظ «خیرة الله» است که در ادامه به عنوان نمونه، به برخی روایات آن اشاره می‌کنیم:

در زیارت معتبر و مشهور جامعه کبیره، چنین اعتراف می‌کنیم:

... السلام على أئمة الدعاة والقادة الهداة والسادة الولاة والذادة الحماة وأهل الذكرو
أولى الأمر وبقية الله وخيرته وحبسه وعيبة علمه وحجته وصراطه ونوره وبرهانه و
رحمة الله وبركاته ...

امام باقر عليه السلام می‌فرماید:

ما کنار خدا و برگزیدگان و انتخاب شدگان او و میراث دار پیامبران هستیم... و ما
فرمانده سپیدرویان و منتخبان خداییم...^۱

امام رضا عليه السلام از پدرانش از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله چنین روایت فرمود:

هر که دوست دارد به شاخه سرخی که خداوند به دستان خود [در بهشت] کاشته
بنگرد و چنگ بزند، پیرو علی و امامان از نسل او باشد که برگزیدگان و انتخاب شدگان
خداوند و از هر گناه و اشتباهی معصومند.^۲

امام صادق عليه السلام نیز فرمود:

ما برگزیدگان خداوند از میان آفریده‌هایش هستیم و شیعیان ما نیز برگزیدگان خداوند از
میان امت پیامبرش هستند.^۳

همچنین این لقب، به صورت ویژه درباره چندتن از معصومان به کار رفته است که عبارتند
از:

پیامبر صلى الله عليه وآله (طوسی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۲؛ کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۸، ح ۱۹۴ و ح ۳۱۶؛ ابن قولویه،
۱۳۸۰ش: ۵۸؛ شیخ مفید، م ۲۱، ح ۱)

۱. عن أبي جعفر: نحن جنب الله ونحن صفوته ونحن خيرته ونحن مستودع موارث الأنبياء... ونحن قادة الغر
المحجلين ونحن خيرة الله... (بصائر الدرجات، ۸۲، کمال‌الدین، ۲۰۵ و ۲۰۶، باب ۲۱، ح ۲۰؛ الامالی شیخ طوسی، م ۳۴،
ح ۴)

۲. حدثني سيدي علي بن موسى الرضا عن أبيه عن آيائه عن النبي: من سره أن ينظر إلى القضيبي الأحمر الذي غرسه الله
بيده ويكون متمسكاً به فليتلو علياً والأئمة من ولده فإنهم خيرة الله عزوجل و صفوته وهم المعصومون من كل ذنب و
خطيئة. (الامالی شیخ صدوق، م ۸۵، ح ۲۷؛ عيون اخبار الرضا، ج ۱، ۶۲)

۳. سمعت جعفر بن محمد يقول: نحن خيرة الله من خلقه و شيعتنا خيرة الله من أمة نبيه. (الامالی شیخ مفید، م ۳۶، ح ۶؛
الامالی شیخ طوسی، م ۳، ح ۲۲ [از شیخ مفید به همان سند و متن])

امیرالمؤمنین (ابن قولویه، ۱۳۸۰ ش: ۳۲۸ و ۴۰۹؛ صدوق، ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ۶۳) یا علی! أنت و ولدای خیرة الله من خلقه] و
و سیدالشهداء (ابن قولویه، ۱۳۸۰: ۳۲۸ و ۴۰۹)

ولی خداوند

ألا! إنه المفوض إليه.

ألا! وإِنَّه ولی الله فی أرضه و حکمه فی خلقه و أمینه فی سرّه و علانیته.

درباره این که امامان معصوم، «ولی» خداوند متعال در زمین به شمار می آیند تردیدی نیست و حدیث متواتر غدیر که به صراحت از «مولی» و سرپرست جامعه سخن گفته، بزرگترین دلیل گویای این حقیقت است. اما درباره تفویض به اهل بیت؛ روایات درباره حیطه اختیارات اهل بیت در امور دینی و سیاسی مردم، کم نیست و مضمون مشترکی دارند که شامل تمامی امامان از جمله امام زمان می شوند و ما را از جستجوی روایت ویژه درباره امام زمان بی نیاز می نمایند. در ادامه به عنوان نمونه به بخشی از آنها اشاره می شود:

به فرموده امام صادق علیه السلام:

خداوند پیامبرش را چنان تربیت کرد تا آن گونه که اراده کرده حرکت کند؛ سپس امور را به او واگذار نمود و فرمود «هر آنچه پیامبر به شما رسانید را بپذیرید و هر آنچه شما را از آن برحذر داشت، رها کنید» و هر آن چه به پیامبر واگذار شده به ما نیز واگذار شده است.^۱

به گفته موسی بن اشیم:

یک بار که نزد امام صادق علیه السلام شرفیاب شده بودم از ایشان مسئله ای پرسیدم و حضرت پاسخ داد. در همان زمان، شخص دیگری وارد شد و همان پرسش را از حضرت مطرح کرد ولی حضرت، پاسخ دیگری به او داد و پس از وی شخص سومی آمد و حضرت به همان پرسش وی، پاسخ سومی داد! این ماجرا بر من گران آمد. وقتی جمعیت، پراکنده شدند نگاهی به من انداخت و فرمود: گویا نگران شده ای؟! گفتم: فدایت شوم! سه پاسخ به یک مسئله؟! فرمود: خداوند امور مملکت را به حضرت داود واگذار کرد و فرمود «این روزی ما است؛ خواه منت بنه و خواه اندازه نگه دار که حساب و کتابی نداری» همان گونه به ما امامان نیز آنچه را به پیامبرش واگذار کرده

۱. عن أبي عبد الله: إن الله أدب رسوله حتى قومه على ما أراد ثم فوض إليه فقال «ما أتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا» فما فوض الله إلى رسوله فقد فوضه إلینا. (بصائر الدرجات، ۴۰۳ و ۴۰۵؛ الکافی، ج ۱، ۲۶۸، ح ۹ [از صفار])

وا گذاشته؛ نگران نباش.^۱

ابواسحاق نحوی می گوید:

نزد امام صادق علیه السلام رفتم و شنیدم که می فرمود: خداوند پیامبرش را بر دوستی خودش تربیت نمود و فرمود «تو بر اخلاق بزرگی قرار داری» سپس به او واگذار کرد و فرمود «هرچه پیامبر به شما داد بپذیرید و از هرچه نهیتان کرد، کنار بگیرید» و فرمود «هرکه از پیامبر پیروی کند، پیروی خدا را کرده» پیامبر نیز [آنچه را در اختیارش بود] به علی واگذار کرد و او را در این زمینه امانتدار دید. این مسئله را شما شیعیان پذیرفتید ولی دیگران منکر شدند...^۲

امام صادق علیه السلام به برخی از افراد منحرف نیز چنین فرمود:

خداوند متعال پیامبرش را به نیکی تربیت نمود و پس از تکمیل تربیت فرمود «تو بر اخلاق بزرگی قرار داری» سپس امر دین و امت را به او واگذار نمود تا آنها را تدبیر کند و فرمود «هر آنچه پیامبر برای تان آورد بپذیرید و از هرچه نهی تان کرد واگذارید» پیامبر، یاری شده و تقویت شده به وسیله روح القدس بود و خطا و لغزشی در سیاست گذاری خود نداشت و تربیت الهی را پذیرفته بود...^۳

محمد بن سنان گوید:

نزد امام جواد علیه السلام بودم و سخن از اختلاف میان شیعیان به میان آوردم. حضرت فرمود: خداوند محمد و علی و فاطمه را آفرید و زمانی طولانی را به تنهایی گذراندند تا سایر آفریدگان به آنها افزوده شدند و آنها را بر آفرینش خلقت، شاهد و گواه گرفت و

۱. عن موسى بن أشيم: دخلت على أبي عبد الله فسألته عن مسألة فأجابني فبينما أنا جالس إذ جاءه رجل فسأله عنها بعينها فأجابته بخلاف ما أجابني ثم جاء آخر فسأله عنها بعينها فأجابته بخلاف ما أجابني وأجاب صاحبى ففرغت من ذلك وعظم عليّ فلما خرج القوم نظر إليّ فقال: يا ابن أشيم! كأنك جزعت! قلت: جعلني الله فداك! إنما جزعت من ثلاث أقاويل في مسألة واحدة فقال: يا ابن أشيم! إن الله فوّض إلى داود أمر ملكه فقال «هذا عطاءنا فامنن أو أمسك بغير حساب» وفوّض إلى محمد أمر دينه فقال «ما أتاكم الرسول فخذوه و ما نهىكم عنه فانتهوا» فإنّ الله تبارك وتعالى فوّض إلى الأئمة منّا و إلينا ما فوّض إلى محمد فلاتجزع. (بصائر الدرجات، ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶؛ الكافي، ج ۱، ۲۶۵ و ۲۶۶، ح ۲)

۲. عن أبي إسحاق النحوي: دخلت على أبي عبد الله فسمعتة يقول: إن الله عزوجل أدب نبيه على محبته فقال «وإنك لعلی خلق عظیم» ثم فوّض إليه فقال عزوجل «و ما أتاكم الرسول فخذوه و ما نهىكم عنه فانتهوا» و قال عزوجل «من يطع الرسول فقد أطاع الله» و إنّ نبيّ الله فوّض إلى عليّ و ائتمنه فسلمتم و جحد الناس... (الكافي، ج ۱، ۲۶۵، ح ۱) أعدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن أبي نجران عن عاصم بن حميد عن أبي إسحاق عن أبي جعفر ذكر نحوه.)

۳. عن فضيل بن يسار: سمعت أبا عبد الله يقول لبعض أصحاب قيس الماصر: إن الله عزوجل أدب نبيه فأحسن أدبه فلمّا أكمل له الأدب قال «إنك لعلی خلق عظیم» ثم فوّض إليه أمر الدين و الأئمة ليسوس عباده فقال عزوجل «ما أتاكم الرسول فخذوه و ما نهىكم عنه فانتهوا» و إنّ رسول الله كان مسدداً موقفاً مؤيداً بروح القدس لايزلّ و لا يخطئ في شئ ممّا يسوس به الخلق فتأدّب بأداب الله... (الكافي، ج ۱، ۲۶۶، ح ۴)

پیروی از آنها را بر تمامی آفریده‌ها لازم کرد و امور آنها را به ایشان واگذارند؛ از این رو هر چه را بخواهند حلال و حرام اعلام می‌کنند ولی جز آنچه خواسته خدا باشد، نخواهند خواست.^۱

ابن ابویعفور از امام صادق علیه السلام روایت کرده:

خداوند، تک و تنها بود و پس از آن که عده‌ای را آفرید، امور دین خود را به آنها واگذار کرد که ما باشیم؛ ما حجت خداوند در میان بندگان و گواهان وی بر آفریدگان و امانت‌داران وی بروحی و خزانه‌داران دانشش هستیم...^۲

امام صادق علیه السلام درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه نیز فرمود:

اگر دیدی قائم به یک نفر صد هزار و به دیگری تنها یک درهم داد، بر تو گران نیاید؛ چرا که امور [مردم] به او واگذار شده است.^۳

یاسر خادم می‌گوید:

از امام رضا علیه السلام درباره واگذاری به امامان جویا شدم. حضرت فرمود: خداوند متعال امور دین را به پیامبرش واگذار نمود و فرمود «هرآن چه پیامبر برایتان آورد بپذیرید و از هر چه نهیتان کرد رهاش کنید» ولی آفرینش و روزی به او واگذار نشده. سپس فرمود: خداوند متعال می‌فرماید «خدا است که همه چیز را آفریده» و می‌فرماید «خدا است که شما را آفریده و روزی داده و سپس می‌میراند و دوباره زنده می‌کند بگو آیا خدایانی که شما قبول دارید هیچ‌کدام شان توان چنین کارهایی را دارند؟ خداوند پاک و برتر است از شرک مشرکان».^۴

زراره به امام صادق علیه السلام گفت:

۱. عن محمد بن سنان: كنت عند أبي جعفر الثاني فأجريت اختلاف الشيعة فقال: يا محمد! إن الله تبارك وتعالى لم يزل متفرداً بوحدانيته ثم خلق محمداً و علياً و فاطمة فمكثوا ألف دهر ثم خلق جميع الأشياء فأشهدهم خلقها وأجرى طاعتهم عليها و فوض أمورها إليهم فهم يحلون ما يشاؤون و يحزّمون ما يشاؤون و لن يشاؤوا إلا أن يشاء الله تبارك و تعالى ... (الكافي، ج ۱، ۴۴۱، ۵)

۲. قال أبو عبد الله: إن الله واحد أحد متوحد بالوحدانية متفرد بأمره خلق خلقاً ففوض إليهم أمر دينه فنحن هم يابن أبي يعفور! نحن حجة الله في عباده و شهداءه على خلقه و أمناءه على وحيه و خزانه على علمه ... (التوحيد، ۱۵۲)

۳. قال أبو عبد الله: إذا رأيت القائم أعطى رجلاً مائة ألف و أعطى آخر درهماً فلا يكبر في صدرك فإن الأمر مفوض إليه. (بصائر الدرجات، ۴۰۶)

۴. عن ياسر الخادم: قلت للرضا: ما تقول في التفويض؟ فقال: إن الله تبارك و تعالى فوض إلى نبيه أمر دينه فقال «ما أتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا» فأما الخلق و الرزق فلا. ثم قال: إن الله عز وجل يقول «الله خالق كل شيء» و هو يقول «الله الذي خلقكم ثم رزقكم ثم يميتكم ثم يحييكم قل هل من شركاءكم من يفعل من ذلكم من شيء سبحانه و تعالى عما يشركون». (عيون اخبار الرضا، ج ۱، ۲۱۹)

یکی از فرزندان از نسل عبدالله بن سبا عقیده به تفویض دارد. حضرت از معنای تفویض جويا شد. زراره گفت: می گوید خداوند، محمد و علی را آفریده و امور خلقت و روزی و زندگی و مرگ آنها را به آندو واگذار کرده. حضرت فرمود: این دشمن خدا دروغ می گوید؛ وقتی پیش او برگشتی این آیه را برایش بخوان «آیا برای خداوند شریکانی قرار دادند که هم چون او آفریدگانی دارند و همین مسئله باعث شده به اشتباه بیفتند؟! بگو خداوند، آفریدگار همه چیز است و تنها و چیره است»^۱.

در زیارت جامعه کبیره نیز این تعبیر به چشم می خورد:

... و مقدّمکم امام طلبتی و حوائجی و إرادتی فی کّل احوالی و اموری مؤمن بسرّکم و علانیتمک و شاهدکم و غائبکم و أولکم و آخرکم و مفوّض فی ذلک کله إلیکم و مسلّم فیه معکم و قلبی لکم مؤمن ...

در یکی دیگر از زیارات جامعه اهل بیت نیز چنین آمده است:

خدا را گواه می گیرم که من با هرکه با شما سرسازش داشته باشد، سازش می کنم و با هرکه با شما سر جنگ داشته باشد می جنگم؛ به پیدا و پنهان شما ایمان دارم و در تمامی این موارد، امور را به شما واگذار کرده ام...^۲

براساس روایاتی که گذشت می توان گفت در این که پیامبر ﷺ و خاندان معصوم ایشان، خاستگاه احکام الهی و تنها منبع مورد اعتماد برای شناخت دین حق هستند تردیدی نیست. آنچه اهمیت دارد این که:

الف) نحوه بیان احکام الهی، بسته به تشخیص معصوم از زمان و مکان و شرائط موجود است که علم آن را نیز خداوند در اختیار وی قرار داده.

ب) همچنین نوع تدبیر جامعه و سیاستگذاری نیز - به همان بیان که گفته شد - بسته به تشخیص معصوم است.

ج) تشریح احکام الهی و همچنین آفرینش و تدبیر امور خلقت، به دست خداوند است و

۱. روی زراره أنه قال: قلت للصادق: إن رجلاً من ولد عبدالله بن سبا يقول بالتفویض. قال: و ما التفویض؟ قلت: يقول إن الله خلق محمداً و علیاً ثم فوّض الأمر لیهما فخلقا و رزقا و أحییا و أماتا. فقال: کذب عدوّ الله؛ إذا رجعت إلیه فافراً علیه الآیة التي فی سورة الرعد «أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه الخلق عليهم قل الله خالق كل شیء و هو الواحد القهار». (الاعتقادات، ۱۰۰)

صدوق می افزاید: و قد فوّض الله تعالی إلی نبیّه أمر دینه فقال «و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» و قد فوّض ذلک إلی الأئمة.

۲. ... أشهد الله أنّی سلم لمن سالمتم و حرب لمن حاربتم مؤمن بسرّکم و علانیتمک مفوّض فی ذلک کله إلیکم... (الکافی، ج ۴، ۵۷۹، ح ۲).

اهل بیت نیز بخشی از آفرینش الهی و محکوم به احکام الهی هستند. البته تفصیل این ماجراها فرصت و مجال دیگری را می‌طلبد و در برخی کتب کلامی شیعی به مناسبت، به آن پرداخته شده است.

میراث‌دار دانش

ألا إله وراثت كل علم و المحيط به .

ألا! إله المخبر عن ربّه عزوجل و المنبّه بأمر إيمانه .

درباره علم اهل بیت و امامان معصوم، روایات فراوانی وجود دارد و منابع متعددی برای آن شمارش شده است که از عهده این مقاله بیرون است. یکی از این منابع که در این جملات به آن تصریح شده است، «وراثت» است که در روایات اهل بیت نیز شواهد آن آشکار است. در ادامه، برخی از این روایات را از کتاب شریف *بصائر الدرجات* مرور می‌نمائیم:

سیف تمّار می‌گوید:

تعدادی از شیعیان در کنار امام صادق علیه السلام در حجر اسماعیل نشسته بودیم که حضرت فرمود: ... اگر میان حضرت موسی علیه السلام و خضر علیه السلام حضور داشتم به آن دو می‌فهماندم که از آن دو دانایترم و چیزهایی به آن دو می‌گفتم که خبر نداشتند چراکه موسی و خضر از مطالب مربوط به گذشته اطلاع داشتند و از حوادث آینده آگاهی نداشتند ولی پیامبر خدا از تمامی آنها اطلاع داشت و ما نیز از ایشان این دانش را به ارث بردیم.^۱

معاویة بن وهب نیز می‌گوید:

یک بار که از سوی امام صادق علیه السلام اجازه ورود یافتیم در میان سخنانش چنین فرمود: ای خدایی که ما را جانشینان (پیامبر) قرار داد و دانش گذشته و آینده را به ما روزی کرد و دل‌هایی از مردمان را هوادار ما و ما را میراث‌دار پیامبران قرار داد...^۲

از امام باقر علیه السلام روایت شده:

از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره میزان دانش پیامبر صلی الله علیه و آله جویا شدند، فرمود: دانش ایشان دانش تمامی پیامبران و مسائل گذشته و آینده را دربر می‌گرفت. سپس افزود: به

۱. عن سيف التمار: كنا مع أبي عبدالله جماعة من الشيعة في الحجر فقال: .. لو كنت بين موسى والخضر لأخبرتهما أتى أعلم منهما ولأنبأتهما بما ليس في أيديهما لأنّ موسى والخضر أعطيا علم ما كان ولم يعطيا علم ما هو كائن إلى يوم القيامة وإنّ رسول الله أعطى علم ما كان وما هو كائن إلى يوم القيامة فورثناه من رسول الله وراثته. (ص ۱۴۹)

۲. عن معاوية بن وهب: استأذنت علي أبي عبدالله فأذن لي فسمعته يقول في كلام له: يا من خصنا بالوصية وأعطانا علم ما مضى و علم ما بقي و جعل أفئدة من الناس تهوى إلينا و جعلنا ورثة الأنبياء ... (ص ۱۴۹)

خدایی که جانم در دست اوست سوگند! من نیز همان دانش پیامبر را دارم.^۱

ضریس کناسی می گوید:

نزد امام صادق علیه السلام بودم که به ابوبصیر فرمود: حضرت داود، میراث دار پیامبران بود که میراث او به حضرت سلیمان رسید؛ پیامبر نیز میراث دار حضرت سلیمان و سایر دانش ها بود و ما نیز میراث دار پیامبریم و کتاب های حضرت ابراهیم و الواح حضرت موسی نزد ما است...^۲

آن حضرت در سخنی دیگر به ابوبصیر فرمود:

خداوند هیچ چیزی به پیامبرانش نداده مگر آن که همان چیز را به پیامبر خاتم نیز روزی کرده و صحف ابراهیم و موسی در نزد ما است.^۳

امام باقر علیه السلام می فرماید:

پیامبر، امانتدار خداوند در زمین بود و پس از آن که از دنیا رفت، ما اهل بیت، وارثان او و امانتداران در زمین شدیم... و دانش او به ما به امانت سپرده شد و میراث دار پیامبران اولوالعزم شدیم...^۴

آن حضرت همچنین فرمود:

... امیرالمؤمنین، هدیه الهی به محمد بود که دانش تمامی جانشینان و هرکه پیش از خود بود را به ارث برد...^۵

ابن قیاما می گوید:

بر امام رضا علیه السلام وارد شدم و این در حالی بود امام جواد به دنیا آمده بود. حضرت

۱. عن أبي جعفر: سئل علي عن علم النبي فقال: علم النبي علم جميع النبيين و علم ما كان و علم ما هو كائن إلى قيام الساعة. ثم قال: والذي نفسي بيده إنني لأعلم علم النبي و علم ما كان و ما هو كائن فيما بيني و بين قيام الساعة. (ص ۱۴۷)

۲. عن ضريس الكناسي: كنت عند أبي عبدالله و عنده أبو بصير فقال أبو عبدالله: إن داود ورث الأنبياء و إن سليمان ورث داود و إن محمداً ورث سليمان و ما هناك و إننا ورثنا محمداً و إن عندنا صحف إبراهيم و ألواح موسى... (ص ۱۵۵)

۳. عن أبي بصير عن أبي عبدالله: يا أبا محمد! إن الله لم يعط الأنبياء شيئاً إلا و قد أعطى محمداً جميع ما أعطى الأنبياء و عندنا الصحف التي قال الله صحف إبراهيم و موسى. (ص ۱۵۶)

۴. عن أبي جعفر: إن محمداً كان أمين الله في أرضه فلما قبضه الله كُنّا أهل البيت ورثته فنحن أمناء الله في أرضه.. و استودعنا علمه و نحن ورثة أولى العزم من الرسل... (ص ۱۳۹)

۵. عن أبي جعفر: ... و إن علي بن أبي طالب هبة الله لمحمد ورث علم الأوصياء و علم من كان قبله أما إن محمداً ورث علم من كان قبله من الأنبياء و المرسلين. (ص ۱۴۱)

فرمود: خداوند کسی را به من روزی کرده که میراث دار من و خاندان داود است.^۱

از سوی دیگر، امام هر زمانی، در دوران خویش ارتباط علمی ویژه‌ای با ملکوت دارد و بخشی از دانش مورد نیاز خود را در زمان امامت خویش دریافت می‌نماید. در این زمینه نیز روایات فراوانی در دست است که به عمومیت خود، شامل امام زمان عجل الله تعالی فرجه نیز می‌شود؛ بنابراین هر چند در این زمینه روایتی ویژه امام زمان یافت نشد ولی این به خاطر وجود روایات عام در این زمینه است نه این که نسبت به امام زمان مستندی نداشته باشیم. در هر حال گوشه‌ای از روایات یاد شده را نیز از کتاب *شریف بصائر الدرجات* پی می‌گیریم:

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود:

هر شب جمعه ما نصیبتی از شادی داریم. مفضل از مراد امام جوپا شد. حضرت این چنین توضیح فرمود: هر شب جمعه پیامبر به عرش الهی می‌رود و امامان نیز همراه او خواهند بود و روح ما به بدن مان باز نمی‌گردد مگر این که دانشی به دست آورده باشد و اگر چنین نباشد، دانش ما به پایان خواهد رسید.^۲

امام صادق علیه السلام همچنین فرمود:

هر شب جمعه رفت و آمدی نزد خداوند داریم و با دانشی نو باز می‌گردیم.^۳

امام باقر علیه السلام از پیامبر این گونه روایت فرمود:

ارواح ما و پیامبران هر شب جمعه بر گرد عرش جمع می‌شوند و صبح هنگام، به جانشینان، دانشی فراوان روزی می‌شود.^۴

راوی از امام صادق علیه السلام درباره منشأ دانش امامان جوپا شد و حضرت این گونه پاسخ داد:

دانش امام به سه دسته گذشته و آینده و حال تقسیم می‌شود... و علم حال امام آن چیزی است که در قلب یا گوش امام الهام می‌شود و این بهترین دانش امام است ولی

۱. عن ابن قیاما: دخلت علی ابي الحسن الرضا و قد ولد له أبو جعفر فقال: إن الله قد وهب لی من یرثنی و یرث آل داود. (ص ۱۵۸)

۲. عن المفضل: قال لی أبو عبد الله ذات یوم و کان لا یکنینی قبل ذلك: یا أبا عبد الله! فقلت: لیک جعلت فداک! قال: إن لنا فی کل لیلة جمعة سرورا. قلت: زادک الله و ما ذاک؟ قال: إنه إذا کان لیلة الجمعة و افا رسول الله العرش و وافی الأئمة معه و وافینا معهم فلاترد أرواحنا إلی أبداننا الا یعلم مستفاد و لولا ذلك لنفد ما عندنا. (ص ۱۵۰)

۳. امام صادق: إن لنا فی کل لیلة الجمعة وفدة إلی ربنا فلاننزل الا یعلم مستطرف. (ص ۱۵۱)

۴. عن ابي جعفر: قال رسول الله «ان أرواحنا و ارواح النبیین توافی العرش کل لیلة جمعة فتصبح الأوصیاء و قد زید فی علمهم مثل جم الغفیر من العلم». (ص ۱۵۲)

هیچ پیامبری پس از پیامبر ما وجود ندارد.^۱

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره منشأ دانش امام جویا شد. حضرت فرمود:
شبانه روز و در هر مناسبت و به تدریج تا روز قیامت بر امام نازل می شود.^۲

حارث بن مغیره از امام درباره منشأ دانششان جویا شد؛ حضرت فرمود:
میراث پیامبر و امیرالمؤمنین است. گفت: ما شنیده ایم به آنها الهام نیز می شود. فرمود:
آن هم هست.^۳

بشارت پیشینیان

ألا! إنه قد بشر به من سلف بين يديه.

در زیارت آل یاسین این گونه به امام زمان سلام می دهیم:

السلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه.

در این که امام زمان، مورد بشارت تمامی امامان پیش از خود و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله است تردیدی نیست و انبوه روایاتی که در کتاب های شیعه و اهل تسنن در این زمینه وجود دارد، گواه گویای این امر است. این روایات، آن قدر فراوان و انبوه هستند که مجموعه های حدیثی ویژه مهدویت را پدید آورده اند. مجموعه هایی همچون *متخب الاثر* اثر فقیه گرانقدر فقیه، حضرت آیه الله صافی گلپایگانی و *معجم احادیث الإمام المهدي* اثر عالم فرزانه علی کورانی عاملی. گذشته از آن، در میراث ماندگار از پیامبران پیشین نیز بشارت هایی نسبت به امام زمان وجود دارد که آنها را نیز می توان در بسیاری از کتاب های با محوریت اثبات حقانیت و وجود امام زمان مشاهده نمود. همان گونه که در آیات متعدد قرآن کریم نیز به این بشارت و آینده روشن بشریت، تصریح شده است؛ آیاتی همچون:

﴿و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون﴾.

۱. عن علي السائي: سألت الصادق عن مبلغ علمهم فقال: مبلغ علمنا ثلاثة وجوه؛ ماض و غابر و حادث فاما الماضي فمفسر واما الغابر فمزبور واما الحادث فقذف في القلوب و نقر في الاسماع و هو أفضل علمنا و لا نبي بعد نبينا. (ص ۳۳۸)

مرحوم صفار، چند روایت به این مضمون نقل کرده است.

۲. عن أبي بصير: قلت لأبي عبد الله: جعلت فداك! أي شيء هو العلم عندكم؟ قال: ما يحدث بالليل والنهار و الامر بعد الامر و الشيء بعد الشيء إلى يوم القيمة. (ص ۳۴۵)

مرحوم صفار، چند روایت دیگر نیز به این مضمون نقل کرده است.

۳. الحرث بن المغيرة: اخبرني عن علم عالمكم. قال: وراثة من رسول الله و من علي بن أبي طالب. قلت: انا نتحدث انه يقذف في قلوبهم و ينكت في آذانهم. قال: ذاك و ذاك. (ص ۳۴۶)

مرحوم صفار، چند روایت دیگر نیز به این مضمون نقل کرده است.

که اشاره به بشارت پیشینی به موعود اسلام نیز دارد. و آیه:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵).

بنابراین این جمله از خطبه غدیر نیز اشاره به حقیقتی تابناک دارد که هیچ تردیدی در درستی آن نیست.

نتیجه‌گیری

مرحوم طبرسی، خطبه‌ای برای مراسم پر شکوه غدیر گزارش کرده که در سایر منابع نشانی از آن نیست و از نظر سندی نیز، در چندین راوی با مشکل روبرو است. حدود هجده فقره مهدوی در این خطبه وجود دارد که براساس بررسی صورت گرفته، تقریباً تمامی این جملات، از پشتوانه‌ای مستحکم و قوی در میان انبوه روایات معارفی اهل بیت برخوردار هستند و همین برای اثبات حقانیت بخش مهدویت خطبه غدیر، کافی و وافی است. از دیگر سو با اثبات این جملات، گامی مهم برای تثبیت اصل خطبه غدیر بر مبنای اثبات گزارش‌های مهدوی آن برداشته می‌شود. در این میان، تنها یک جمله در سایر منابع، نشانی نداشت که جمله «إِنَّهُ الْعَزَافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ» باشد ولی این جمله دو برداشت دارد که هر دو از مسائل یقینی در بحث مهدویت به شمار می‌آیند و از این نظر نیز بر این مجموعه، ایرادی وارد نیست. امید آن که تلاش‌های دیگری برای اثبات سایر فقرات این خطبه از سوی پژوهشگران و دغدغه‌مندان علوی و مهدوی صورت پذیرد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۶۳ ش)، *کمال‌الدین*، قم، جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۸۵ ق)، *علل الشرائع*، نجف اشرف، المكتبة الحيدرية.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۴۰۴ ق)، *عیون اخبار الرضا*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۴۱۴ ق)، *الاعتقادات*، بیروت، دارالمفید، دوم.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۴۱۷ ق)، *الامالی*، قم، مؤسسه بعثت، اول.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (بی تا «الف»)، *التوحید*، قم، جامعه مدرسین.

۷. ابن بابويه، محمد بن علی بن الحسین (بی تا «ب»)، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا)، فلاح السائل، بی جا، بی نا.
۹. ابن غضائری، حسین (۱۳۸۰ ش)، رجال، قم، دارالحدیث، اول.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۸۰ ش)، کامل الزیارات، قم، نشر فقاہت، اول.
۱۱. بیہقی، احمد بن حسین (بی تا)، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر.
۱۲. خزاز، علی بن محمد (۱۴۰۱ ق)، کفایۃ الاثر، قم، انتشارات بیدار.
۱۳. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق)، معجم رجال الحدیث، بی جا، بی نا، پنجم.
۱۴. راوندی، قطب الدین (۱۴۱۸ ق)، قصص الانبیاء، قم، الہادی، اول.
۱۵. زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس، بیروت، دارالفکر.
۱۶. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، الدر المنثور، بیروت، دارالمعرفۃ.
۱۷. صفار، محمد بن حسن (۱۳۶۳ ش)، بصائر الدرجات، تہران، اعلمی.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، المعجم الاوسط، بی جا، دارالحرمین.
۱۹. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، المعجم الکبیر، بی جا، دارالاحیاء التراث العربی، دوم.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶ ق)، الاحتجاج، نجف اشرف، مطبعة النعمان.
۲۱. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۰ ق)، جامع البیان، بیروت، دارالفکر.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ ق)، دلائل الامامہ، قم، مؤسسہ بعثت، اول.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴ ش)، تہذیب الاحکام، تہران، دارالکتب الاسلامیہ، سوم.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق)، النبیۃ، قم، مؤسسۃ المعارف الاسلامیہ، اول.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ ق)، مصباح المتہجد، بیروت، موسسۃ فقہ الشیعہ، اول.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق)، الامالی، قم، دارالثقافہ، اول.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ ق)، رجال، قم، جامعہ مدرسین، اول.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ ق)، فہرست، قم، مؤسسہ نشر اسلامی، اول.
۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، تفسیر، تہران، دارالکتب الاسلامیہ.
۳۰. قمی، علی بن ابراہیم (۱۴۰۴ ق)، تفسیر، قم، دارالکتب، سوم.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ ش)، الکافی، تہران، دارالکتب الاسلامیہ، پنجم.
۳۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسۃ الوفا، دوم.
۳۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ق)، الارشاد، بیروت، دارالمفید، دوم.
۳۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ق)، الامالی، بیروت، دارالمفید، دوم.

۳۵. نجاشی، احمد (۱۴۱۶ق)، رجال، قم، جامعه مدرسین، پنجم.
۳۶. نعمانی، ابن ابی زینب (۱۴۲۲ق)، الغیبة، قم، مهر، اول.
۳۷. نیلی نجفی، سیدبهاء الدین (۱۴۲۰ق)، منتخب الانوار المضية، قم، مؤسسة الامام الهادی، اول.

